

به نام خداوند جان و خرد

چشم انداز بازنشستگی

چه کسی حقوق بازنشستگی مرا دزدید؟

نویسنده:

رابرت کیوساکی

ادوارد سیدل

مترجم:

عفت عالی مراد خرم آباد



سرشناسه: کیوساکی، رابرت تی. ۱۹۴۷ - م.

Kiyosaki, Robert T

عنوان و نام پدیدآور: چشم‌انداز بازنشستگی / نویسنده رابرت کیوساکی، ادوارد سیدل؛ مترجم عفت عالی‌مراد خرم‌آباد.

مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۵۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۶-۰۹-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Who Stole My Pension?: How You Can Stop the Looting, 2020.

موضوع: مستمری سالمندی -- امور مالی

موضوع: Old age pensions -- Finance

موضوع: مستمری سالمندی -- سیاست و دولت

موضوع: Old age pensions -- Government policy

موضوع: بازنشستگی -- ایالات متحده

موضوع: Retirement -- United States

شناسه افزوده: سیدل، ادوارد

شناسه افزوده: Siedle, Edward

شناسه افزوده: عالی‌مراد خرم‌آباد، عفت، ۱۳۶۶ - مترجم

رده بندی کنگره: HD ۷۱۰/۵/۳

رده بندی دیویی: ۳۳۱/۲۵۵

شماره کارشناسی ملی: ۶۱۲۴۰۵۹



«چشم‌انداز بازنشستگی چه کسی حقوق بازنشستگی مرا را دزدید؟»

- نویسندگان: رابرت کیوساکی - ادوارد سیدل • مترجم: عفت عالی‌مراد خرم‌آباد
 - ناشر: انتشارات طاهریان • نوبت چاپ: اول • سال چاپ: ۱۳۹۸
 - تیراژ: ۱۰۰ جلد • تایپ، صفحه‌بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور • قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان
 - ویراستار: آرزو خسروپور • چاپ و صحافی: اسلامی • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۶-۰۹-۹
- آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com
- با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد را به شماره ۰۶۶۴۹۲۷۳۳-۱۰۰۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

فهرست:

- فصل ۱: یک نوجوان بر روی چه چیزی باید تمرکز کند؟..... ۳۷
- فصل ۲: بزرگ‌ترین بحران بازنشستگی..... ۶۵
- فصل ۳: چه کسی مقصر این بحران است؟..... ۹۱
- فصل ۴: خلف وعده به حقوق‌بگیران..... ۱۱۷
- فصل ۵: چرا دولت‌ها کاری نمی‌کنند؟..... ۱۳۳
- فصل ۶: کالبدشکافی صندوق‌های بازنشستگی..... ۱۴۹
- فصل ۷: درک مستمری‌های بازنشستگی..... ۱۶۳
- فصل ۸: سوء مدیریت صندوق بازنشستگی..... ۱۸۷
- فصل ۹: نظارت افراد بی‌تجربه بر صندوق‌های بازنشستگی..... ۲۱۷
- فصل ۱۰: توهم ناظران صندوق مستمری بازنشستگی..... ۲۳۱
- فصل ۱۱: یادگیری در مورد صندوق‌های مستمری بازنشستگی..... ۲۵۳
- فصل ۱۲: دریافت اطلاعاتی در مورد مستمری بازنشستگی خود..... ۲۶۷
- فصل ۱۳: حقوق بازنشستگی شما کمی شفاف‌تر می‌شود..... ۲۸۹
- فصل ۱۴: سراب بازنشستگی..... ۳۰۹

فصل ۱۵: مراقب سارقان مخفی باشید.....	۳۲۳
فصل ۱۶: اهمیت مدیریت مالی.....	۳۴۷
فصل ۱۷: دروغ صندوق مستمری بازنشستگی.....	۳۷۳
فصل ۱۸: مخفی‌کاری در مورد عملکرد صندوق‌های بازنشستگی.....	۳۹۱
فصل ۱۹: وعده‌های پوشالی در مورد حقوق بازنشستگی.....	۴۱۵
فصل ۲۰: عدم حمایت از صندوق‌های بازنشستگی.....	۴۳۱
فصل ۲۱: عدم پاسخگویی صندوق‌های بازنشستگی.....	۴۵۱
فصل ۲۲: بررسی وضعیت مالی در صندوق‌های بازنشستگی.....	۴۷۵
فصل ۲۳: جلوگیری از غارت صندوق‌های بازنشستگی جهانی.....	۴۸۱
فصل ۲۴: درباره نویسندگان.....	۵۰۳

فهرست:

- فصل ۱: یک نوجوان بر روی چه چیزی باید تمرکز کند؟..... ۳۷
- فصل ۲: بزرگ‌ترین بحران بازنشستگی..... ۶۵
- فصل ۳: چه کسی مقصر این بحران است؟..... ۹۱
- فصل ۴: خلف وعده به حقوق‌بگیران..... ۱۱۷
- فصل ۵: چرا دولت‌ها کاری نمی‌کنند؟..... ۱۳۳
- فصل ۶: کالبدشکافی صندوق‌های بازنشستگی..... ۱۴۹
- فصل ۷: درک مستمری‌های بازنشستگی..... ۱۶۳
- فصل ۸: سوء مدیریت صندوق بازنشستگی..... ۱۸۷
- فصل ۹: نظارت افراد بی‌تجربه بر صندوق‌های بازنشستگی..... ۲۱۷
- فصل ۱۰: توهم ناظران صندوق مستمری بازنشستگی..... ۲۳۱
- فصل ۱۱: یادگیری در مورد صندوق‌های مستمری بازنشستگی..... ۲۵۳
- فصل ۱۲: دریافت اطلاعاتی در مورد مستمری بازنشستگی خود..... ۲۶۷
- فصل ۱۳: حقوق بازنشستگی شما کمی شفاف‌تر می‌شود..... ۲۸۹
- فصل ۱۴: سراب بازنشستگی..... ۳۰۹

فصل ۱۵: مراقب سارقان مخفی باشید.....	۳۲۳
فصل ۱۶: اهمیت مدیریت مالی.....	۳۴۷
فصل ۱۷: دروغ صندوق مستمری بازنشستگی.....	۳۷۳
فصل ۱۸: مخفی‌کاری در مورد عملکرد صندوق‌های بازنشستگی.....	۳۹۱
فصل ۱۹: وعده‌های پوشالی در مورد حقوق بازنشستگی.....	۴۱۵
فصل ۲۰: عدم حمایت از صندوق‌های بازنشستگی.....	۴۳۱
فصل ۲۱: عدم پاسخگویی صندوق‌های بازنشستگی.....	۴۵۱
فصل ۲۲: بررسی وضعیت مالی در صندوق‌های بازنشستگی.....	۴۷۵
فصل ۲۳: جلوگیری از غارت صندوق‌های بازنشستگی جهانی.....	۴۸۱
فصل ۲۴: درباره نویسندگان.....	۵۰۳

مقدمه

صندوق مستمری و بازنشستگی مجمع کامیون داران ایالت نیویورک (صندوق یا برنامه) یک برنامه بازنشستگی با مزایای تعریف شده چند کارفرمایی است که در سال ۱۹۵۴ میلادی تأسیس شد و امروز دارای به ارزش تقریبی ۱/۲ میلیارد دلار دارد. هدف آن تأمین مزایای بازنشستگی برای اعضای دارای توافقنامه‌های اتحادیه است که خواستار کمک به صندوق هستند. این صندوق در سیراکوز، نیویورک واقع شده است و شرکت‌کنندگان از مناطق مرکزی، شمالی و غربی ایالت نیویورک را شامل می‌شود، اما نه خود شهر نیویورک و همچنین شمال ایالت نیوجرسی.

در حال حاضر در این طرح حدود ۲۰۰ کارفرما مشارکت دارد. تعداد کل شرکت‌کنندگان در این طرح تقریباً ۳۴۵۲۶ نفر است. از این تعداد، ۱۱۶۷۸ شرکت‌کننده فعال هستند و ۱۶۰۶۴ فرد بازنشسته یا منفصل از خدمت، مزایا دریافت می‌کنند و ۶۷۸۴ نفر فرد بازنشسته یا منفصل از خدمت دارای حق مزایا در آینده هستند.

این طرح منوط به مقررات قانون امنیت درآمد بازنشستگی کارمندان ۱۹۷۴ میلادی (ERISA)، در قانون فدرال است که حداقل استانداردهای مرتبط با برنامه‌های بازنشستگی خصوصی را برای حمایت از کارمندان تعیین می‌کند.

در سطح ملی، بیش از ۱۰ میلیون کارگر و فرد بازنشسته در ۱۴۰۰ برنامه چند کارفرمایی شرکت دارند. گفته می‌شود که اغلب صندوق‌های مستمری بازنشستگی، بیشتر شرکت‌کنندگان در طرح کارفرمایان را پوشش می‌دهد، این امر از نظر مالی بسیار خوب است. با این حال، تقریباً نیمی از کل شرکت‌کنندگان در برنامه‌هایی تأیید شده‌اند که برای افراد فعال در وضعیت بحرانی یا بحرانی و رو به افول قرار دارند. طبق گفته شرکت تضمین سود بازنشستگی (PBGC)، در آژانس فدرال که از برنامه‌های بازنشستگی شرکت پشتیبانی می‌کند، تقریباً از ۱۵۰ تا ۲۰۰ برنامه شامل ۱/۵ میلیون کارگر و بازنشسته، می‌توانند در ۲۰ سال آینده پول خودشان را از دست بدهند.

صندوق‌های سرمایه ملی در آغوش سوءاستفاده فاحش عموماً حرفه‌ای

نوشته ادوارد سیل

در سال‌های اخیر اشتباهات سرمایه‌گذاری عظیم گروه دیگری از سرمایه‌گذاران به ظاهر زرنگ و دانا -صندوق‌های سرمایه ملی (SWF)- در صدر اخبار بوده‌اند.

«بزرگترین پرونده دزدسالاری در تاریخ ایالات متحده»، همان چیزی است که به گفته دادستان کل پیشین ایالات متحده متهم به سرقت میلیاردها دلار از صندوق توسعه مالزی ۱ (IMDB) Bhd شده است - صندوق تأسیس شده برای ارتقاء توسعه اقتصادی در کشوری که درآمد

متوسط آن تقریباً ۴۰۰ دلار در ماه است. مالزی در برابر بانک سرمایه‌گذاری نیویورک گلدمن ساکس خواستار جبران خسارت ۷,۵ میلیارد دلاری شد. صندوق سرمایه ملی ابوظبی همچنین علیه گلدمن ساکس به دلیل ضرر و زیان ناشی از رسوایی اختلاس 1MDB، دادخواست قضایی ارائه داد.

بر اساس گزارشی که به تازگی منتشر شده، گلدمن نزدیک به ۲ میلیارد دلار با وزارت دادگستری ایالات متحده برای حل مسئله 1MDB به توافق رسیده است. گفته می‌شود که این توافق‌نامه به شرکت زیرمجموعه آسیایی خود و نه شرکت مادر نیاز دارد تا مبلغی بالغ بر چند میلیارد دلار جریمه را بپذیرد و عذر و تقصیر خود را قبول کند که به ظاهر از آن چشم‌پوشی شده است در حالی که ۴,۵ میلیارد دلار از موکل خود، MDB۱ غارت شده است.

نگرانی‌هایی در مورد نحوه مدیریت صندوق‌های سرمایه ملی آفریقا از جمله مراکش، بوتسوانا، نیجریه، لیبی و رواندا ایجاد شده است، به دنبال این خبر در سال ۲۰۱۸ میلادی مبنی بر اینکه فرزند رئیس‌جمهور سابق آنگولا که رئیس سابق صندوق سرمایه ملی ۵ میلیارد دلاری آنگولا بوده است. به اتهام کلاهبرداری در مورد انتقال ۵۰۰ میلیون دلار از حساب بانک مرکزی، توسط دادستان‌های کشورش متهم شد.

صندوق‌های سرمایه ملی مستمری بازنشستگی ندارند - آنها مزایای بازنشستگی را برای هیچ یک از کارمندان یا بازنشستگان فراهم نمی‌کنند.

در عوض، صندوق سرمایه ملی یک صندوق سرمایه‌گذاری دولتی است که از منابع پول حاصل از ذخایر یک کشور تشکیل شده است. ذخایر، صندوق‌هایی هستند که برای سرمایه‌گذاری به نفع اقتصاد کشور و شهروندان آن اختصاص داده شده است.

برخی کشورها صندوق‌های سرمایه ملی گسترده‌ای دارند. به عنوان مثال صندوق سرمایه ملی نروژ بزرگترین صندوق در جهان است که دارایی‌های آن از سال ۲۰۱۷ میلادی، بیش از ۱ تریلیون دلار است. این مبلغ برای هر شهروند نروژی حدود ۲۰۰/۰۰۰ دلار است. سایر صندوق‌های سرمایه ملی رده بالا شامل شرکت سرمایه‌گذاری چین، مؤسسه سرمایه‌گذاری ابوظبی، مؤسسه سرمایه‌گذاری کویت، پرتفوی سرمایه‌گذاری پولی هنگ‌کنگ، شرکت سرمایه‌گذاری دولتی در بخش خصوصی محدود (سنگاپور)، شورای ملی صندوق تأمین اجتماعی (چین)، شرکت سرمایه‌گذاری ایمن (چین)، هلدینگ تماسک (سنگاپور) و مؤسسه سرمایه‌گذاری قطر.

۸۶ مورد از بزرگترین صندوق‌های سرمایه ملی که دارایی‌هایی بالغ بر ۸ تریلیون دلار دارند.

در ابتدا، دشوار است ارزیابی کنید که صندوق‌های سرمایه ملی خوب چه میزان سرمایه‌گذاری در ثروت شهروندان دارند، زیرا بسیاری از این صندوق‌ها میزان بازده خود را منتشر نمی‌کنند. حتی به کسانی که عملکرد مالی خود را گزارش می‌دهند، نمی‌توان اعتماد کرد که این کار را صادقانه انجام می‌دهند. با این همه چقدر احتمال دارد که کسی با امکان

دسترسی به نتایج واقعی صندوق، حاضر باشد دولت را به کلاهبرداری در عملکرد سرمایه‌گذاری صندوق متهم کند؟

موج صندوق‌های سرمایه ملی همچنین در مورد سوء مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها، فساد اداری، دستیابی به اهداف غیراقتصادی یا اقتصادی، حمایت مالی از تولیدات داخلی، بی‌ثباتی بازار مالی محلی، هزینه‌های افراطی و تضاد منافع، نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند. ساختار و نحوه اداره صندوق‌های سرمایه ملی نیز می‌تواند نگران‌کننده باشد.

به نظر می‌رسد که این صندوق‌های سرمایه‌گذاری ملی - که به نیرنگ‌های وال استریت عادت ندارند - همه اقدامات اشتباه را انجام می‌دهند، مانند اعتماد کورکورانه به همان صندوق‌های سرمایه‌گذاری که مشاوره مالی مهلک آنها و اقدامات تجاری فاسدشان، اخیراً در بازار نابسامان سال ۲۰۰۸ میلادی آشکار شده است.

از این بدتر، صندوق‌های سرمایه ملی (مانند صندوق مستمری بازنشستگی دولتی ایالات متحده) با کمک مالی و «همکاری‌های استراتژیک»، مناسب جلوه داده شده توسط وال استریت، در حال انتقال ثروت شهروندان از صندوق سرمایه ملی به وال استریت، می‌باشند.

هیچ یک از این پشم‌چینی‌های بره‌ها، تعجب‌آور نیستند. از این گذشته، تمام وقت، سرمایه‌گذاران آماتور توسط گرگ وال استریت مورد حمله قرار می‌گیرند. (از قضا، تهیه کننده فیلم گرگ وال استریت به پول شویی مرتبط با MDB در مالزی متهم شد.)

با این حال، صندوق‌های سرمایه ملی به ندرت با افراد آماتور عادی کار می‌کنند. آنها تقریباً منابع بی‌حد و حصری برای نگهداری از متخصصان

شناخته شده در سطح جهان دارند که از چشم‌انداز کلاهبرداری در زمینه سرمایه‌گذاری در حال تغییر استفاده می‌کنند و به راحتی از پیچیده‌ترین کلاه‌برداری‌ها نیز جلوگیری می‌کنند. با این حال آنها در مورد سوءاستفاده‌های وال‌استریت و چگونگی محافظت از دارایی‌های خودشان آموزشی نمی‌دهند.

در صورت عدم انجام وظایف خود -قبل از سرمایه‌گذاری تحقیق کنید- صندوق‌های سرمایه‌گذاری‌ها هزینه را پرداخت می‌کنند.

در مثال قابل توجه دیگری، چند سال پیش صندوق سرمایه ملی لیبی علیه گلدمن ساکس شکایت کرد و ادعا کرد که ضرر و زیان ویرانگر ۹۸ درصدی به مبلغ ۱/۳ میلیارد دلار در شرط‌بندی در معاملات ارزی و سایر معاملات پیچیده در سال ۲۰۰۸ میلادی توسط گلدمن انجام شد. از کارمندان بی‌سواد مالی مقامات سرمایه‌گذاری لیبی استفاده کرده و آنها را با هدایا و رشوه اغوا کرده است.

مقامات سرمایه‌گذاری لیبی، ادعا کردند که آنها کاملاً به گلدمن اعتماد دارند و معتقدند که رئیس سابق آن در شمال آفریقا «دوست بسیار نزدیکشان» است. آخرین باری بود که شنیدم گلدمن در نبرد حقوقی پیروز شده است.

صندوق‌های سرمایه ملی در ظاهر با قصور از نگرانی‌هایی که امروزه در پیشبرد سرمایه‌گذاران نهادی در آمریکا مهم هستند، از قبیل تعارض منافع، نقض تعهدات اعتباری، شیوه‌های فاسد صنعت، روش‌های جبران ناشناخته و غرامت‌های افراطی، کلاهبرداری و اظهار نادرست و تأثیر آنها بر عملکرد خالص سرمایه‌گذاری، از آنها غافل هستند.

بررسی و تحقیق در مورد یکپارچگی و انسجام شرکت‌های سرمایه‌گذاری صندوق سرمایه ملی در بهترین حالت ممکن نیست. مانند صندوق مستمری بازنشستگی محلی و دولتی آمریکا، صندوق‌های سرمایه ملی به دلیل اجازه ملاحظات سیاسی برای تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

سرمایه‌گذاری‌های قابل قبول در هر صندوق سرمایه ملی بسته به نقدینگی، بدهی و نیازهای رشدی پیش‌بینی شده از کشوری به کشوری دیگر متفاوت است. کشورهای که دارای نگرانی در نقدینگی خود هستند به مرور تمایل به محدود کردن سرمایه‌گذاری‌ها تنها به ابزارهای بسیار نقد بدهی عمومی دارند. بیشتر صندوق‌های سرمایه ملی بازده نقدینگی را ترجیح می‌دهند. نقدینگی افراطی، باعث می‌شود که آنها بیشتر آن را به سرمایه‌های جایگزین پرخطر، پرهزینه و مضر تخصیص دهند - همان تسلیحات مالی نابودی جمعی (ساخت آمریکا) که بخصوص برای صندوق‌های مستمری بازنشستگی عمومی آمریکا مخرب بوده است.

طبق مقاله بلومبرگ در سال ۲۰۱۹ میلادی، «دومین صندوق سرمایه مستقل جهان یک بازی خطرناک انجام می‌دهد. شرکت سرمایه‌گذاری چین در نظر دارد تا پایان سال ۲۰۲۲ میلادی حداکثر ۵۰ درصد از پرتفوی خود را در سرمایه‌گذاری‌های جایگزین قرار دهد. این بدان معناست که صندوق ۹۴۱ میلیارد دلاری عمیقاً به سمت سرمایه‌گذاری‌های غیرقانونی از جمله املاک و مستغلات، زیرساخت‌ها، صندوق‌های پوشش ریسک و سهام خصوصی در حال غرق شدن است. این معاملات به طور فزاینده‌ای شلوغ می‌شوند. بلومبرگ نتیجه می‌گیرد

که تمایل «صندوق ثروت ملی چین» به سمت دارایی‌های جایگزین، ممکن است خلاف قضاوت باشد.»

در پایان، مانند صندوق‌های مستمری بازنشستگی در سطح جهان، صندوق‌های سرمایه ملی در دام سوءاستفاده فاحش عموماً حرفه‌ای گرفتار شده‌اند و حتی آن را نمی‌شناسند.

اگر با خواندن این کتاب، یاد گرفته‌اید که شرکت‌های سرمایه‌گذاری وال استریت (۱) قابل اعتماد نیستند و (۲) دوستان شما نیستند، پس احتمالاً شما می‌دانید که بیشتر «بی‌سوادهای مالی» ادعا شده از سوی خود شخص، کشور شما را اداره می‌کنند.

کالپرس - بزرگترین صندوق مستمری بازنشستگی عمومی آمریکا - یک الگو نیست

نوشته ادوارد سیدل

چرا بزرگترین صندوق مستمری بازنشستگی عمومی آمریکا نمی‌خواهد در مورد کلاهبرداری وال استریت چیزی بداند؟

سیستم بازنشستگی کارمندان عمومی کالیفرنیا (کالپرس) با دارایی تقریبی ۳۵۴ میلیارد دلاری، بزرگترین صندوق بازنشستگی کارگران دولت در آمریکا است که به بیش از ۱/۹ میلیون نفر خدمت‌رسانی می‌کند. زمانی وجود داشت که کالپرس به عنوان بهترین صندوق بازنشستگی مدیریت شده در دولت در نظر گرفته می‌شد. سایر صندوق‌های مستمری بازنشستگی در سراسر جهان از راهنمایی‌های آن پیروی می‌کردند.

کالپرس یکی از اولین صندوق‌های بازنشستگی عمومی بود که سرمایه‌گذاری‌های خود را به فعالیت‌های اجتماعی پیوند زد و سرمایه‌گذاری‌هایش را در شرکت‌های وابسته به سیستم آپارتاید آفریقای جنوبی در سال ۱۹۸۶ میلادی انجام داد و سهام دخانیات را در سال ۲۰۰۰ میلادی رها کرد. این صندوق بازنشستگی سازمان دهنده اصلی ائتلافی متشکل از ۲۲۵ نفر از سرمایه‌گذاران بزرگ بود که با دارایی ۲۶ تریلیون دلاری برای ترغیب شرکت‌ها به منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، راه‌اندازی شد.

در طی دهه گذشته، رسوایی‌های مالی و بازده سرمایه‌گذاری ناخوشایند باعث از بین رفتن شهرت درخشان آن شده است.

همانطور که قبلاً در این کتاب ذکر شد، در سال ۲۰۱۶ میلادی مدیر اجرایی سابق صندوق مستمری بازنشستگی پس از ادعای مقصر بودن به اتهام توطئه به دلیل گرفتن بیش از ۲۵۰/۰۰۰ دلار پول نقد و سایر رشوه‌ها از سوی دوست و هیئت مدیره سابق کالپرس آلفرد ویلالوبوس، به ۴،۵ سال زندان محکوم شد. دادستان‌ها گفتند که ویلالوبوس، که چند هفته قبل از محکومیت در دادگاه، خودکشی کرده است، طبق گزارش‌ها به عنوان واسطه برای بنگاه‌های سرمایه‌گذاری که به دنبال دریافت امتیاز یک کسب‌وکار از کالپرس هستند، ۵۰ میلیون دلار از آنها گرفته بود.

به تعبیر لس‌آنجلس تایمز در سال ۲۰۱۷ میلادی:

«اعتبار یک کیفیت مهم برای سیستم بازنشستگی کارمندان عمومی در کالیفرنیا است... در حال حاضر، این موضوع به یک موضوع معلق تبدیل شده است.»

حمایت از کالپرس به معنای «مهر تأیید بر خدمت‌رسانی خوب» آن نیست.

در طی ده‌ها سال که من در کار تحقیق درباره تخلفات سرمایه‌گذاری گذرانده‌ام، دریافتم که شرکت‌های سرمایه‌گذاری وال‌استریت از صندوق مستمری بازنشستگی، به خصوص صندوق بازنشستگی دولتی و محلی کلاهدرداری می‌کنند، اغلب به طریقی به کالپرس متصل هستند.

«ارتباط» بین یک شرکت سرمایه‌گذاری خلافکار و کالپرس ممکن است به اندازه کلاهدرداری از حساب ناچیزی برای صندوق مستمری بازنشستگی، تنش‌زا باشد. با توجه به حجم انبوه آن و هزاران شرکت سرمایه‌گذاری که صندوق مستمری بازنشستگی را حفظ می‌کند به ندرت قابل توجه است. با این وجود، بعضی اوقات این رابطه بسیار قابل توجه است. برای مثال، ممکن است کالپرس نقشی در راه‌اندازی یک صندوق سرمایه‌گذاری، محصول یا مدیر خاص داشته باشد، یا ممکن است یکی از اولین سرمایه‌گذاران اصلی باشد، یا ممکن است علاقه‌ای به مالکیت مدیر پنهانی در ارائه سرمایه‌گذاری داشته باشد.

متأسفانه، سایر صندوق‌های مستمری بازنشستگی عمومی، سرمایه‌گذاران نهادی و عموم مردم تمایل دارند که در صورت داشتن کالپرس به عنوان مشتری یا شریک زندگی، با «مهر تأییدی بر خدمت‌رسانی خوب» مدیر یا صندوق سرمایه‌گذاری بپردازند. سایر

سرمایه‌گذاران ممکن است سرمایه‌گذاری‌هایی را که از طریق یا روش‌های دیگری به ظاهر حمایت می‌شوند و تأیید شده یا به طور قابل ملاحظه‌ای توسط کالپرس پشتیبانی کنند.

تصمیم‌گیری در کالپرس اغلب تأثیر چشمگیر و بسیار بسزایی بر دنیای سرمایه‌گذاری دارد. هنگامی که صندوق مستمری بازنشستگی مشاوران سرمایه‌گذاری یا مدیرانی را که مأمور سرمایه‌های بی‌ارزش هستند استخدام یا پشتیبانی می‌کند، مملکت و در حقیقت کل جهان ممکن است رنج بکشند. کالپرس واقعاً نقش بی‌نظیری در اکوسیستم سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند.

من از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی اعضای هیئت‌مدیره و کارمندان کالپرس را می‌شناسم. من محرم کشمکش‌های داخلی سازمان بوده‌ام و نیز شاهد اشتباهات آن بوده‌ام.

در طی سالیان متمادی، من از اعضای هیئت‌مدیره کالپرس خواسته‌ام تا به طور جدی انسجام مدیران فعلی و گذشته صندوق مستمری بازنشستگی را بررسی کنند که چگونه مدیران سرمایه‌گذاری با پیشینه‌های وحشتناک در استخدام موفق می‌شوند و ارزیابی اثرات فساد در روند سرمایه‌گذاری در کالپرس ممکن است بر تمام سرمایه‌گذاران در سطح جهان تأثیر بگذارد.

مدت‌هاست که معتقدم که کالپرس می‌تواند نیرویی برای منافع جهانی باشد، اگر سیاست را از تصمیمات سرمایه‌گذاری خود کنار بگذارد و صرفاً بر اساس شایستگی سرمایه‌گذاری کند.

در نهایت، در سال ۲۰۱۳ میلادی، من نامه‌ای را به هیئت‌مدیره کالپرس ارسال کردم که در آن نوشته شده بود: «این امر حتی از راه دور برای من آشکار است که صندوق مستمری بازنشستگی همچنان فاقد بسیاری از موارد حفاظتی است که برای بهبود مدیریت و عملکرد آن توصیه می‌کنم.» من هیچ پاسخی برای نامه به ظاهر ناخواسته دریافت نکردم، اما یکی از اعضای هیئت‌مدیره دوستانه پیشنهاد داد که نامه دیگری برای پیگیری بنویسم.

در نامه دوم به جزئیات بیشتری پرداختم که از نظر کارشناسی فکر می‌کنم باید صندوق مستمری بازنشستگی به طور کامل مورد بررسی قرار گیرد. در این موارد خاص «هزینه‌های ناشناخته مربوط به ارائه‌دهندگان یا فروشندگان سرمایه‌گذاری» و «تضمین منافع سهام، صندوق سرمایه‌گذاری خصوصی و صندوق‌های پوشش ریسک، تضاد منافع و سوءاستفاده از هزینه‌ها و تخلفات» درج شده است.

وقتی نامه دوم من در یک جلسه محرمانه مورد بحث قرار گرفت، رئیس هیئت‌مدیره در جواب گفت (طبق گفته‌های کالپرس) این نامه با هزاران نامه دیگری که پیشنهاداتی را از آنها دریافت می‌کنیم چه فرقی دارد؟ وای... وقتی این سخنان را شنیدم در فکر فرو رفتم.

اگر واقعاً درست باشد که هیئت‌مدیره کالپرس مرتباً تعداد نامه‌های مشابهی - «هزاران» مورد از آنها - را دریافت می‌کند از کارشناسان قانونی مشهور جهان و با تجربه و معتبری که ادعای وجود اشتباه احتمالی در رابطه با سرمایه‌گذاری‌های بازنشستگی می‌کنند - ادعای اشتباهی که هیئت‌مدیره معمولاً نادیده می‌گیرد - این واقعاً ترسناک است.

ذینفعان مستمری بازنشستگی، مانند مالیات‌دهندگان و کارمندان دولت، باید به وحشت بیفتند وقتی می‌شنوند که هزاران هشدار جدی از جانب کارشناسان برجسته توسط هیئت‌مدیره بازنشستگی نادیده گرفته می‌شود.

اخیراً، در سال ۲۰۱۷ میلادی، من مقاله‌ای را برای فوربز نوشتم با عنوان چگونه می‌توان پول زیادی را از کالپرس، بزرگترین صندوق مستمری بازنشستگی عمومی ملی به سرقت برد، توصیه من برای افراد خاطی این بود که: اگر می‌خواهید از میلیون‌ها نفر دزدی کنید، از شناسایی و تحت پیگرد قانونی بودن فرار کنید، پس چشم خود را بر روی منابع همه صندوق‌های مستمری بازنشستگی بدوزید، این کالای بازنشستگی هیچ ایده‌ای ندارد در مورد اینکه آیا حقوق دریافتی مدیران بازنشسته از صندوق مستمری بازنشستگی، قانونی است یا خیر.

یکی از اعضای هیئت‌مدیره، که قبلاً مطالبی را درباره هزینه‌های نامعلوم وال استریت مطرح کرده بود، با این نظر موافق بود و گفت: «ما نمی‌دانیم میزان حقوق دریافتی مدیران سهام خصوصی ما از صندوق مستمری بازنشستگی چقدر است و بنابراین ما نمی‌توانیم بفهمیم که آیا همه هزینه‌ها قانونی هستند یا خیر.» وقتی من این مسئله را مطرح کردم، به من گفته شد که مدیران «شرکای» ما در این صندوق هستند و ما فقط باید به آنها اعتماد کنیم.

نه ذینفعان کالپرس و وال استریت نه دوست شما هستند و نه «شریک زندگی» شما - و همچنین قابل اعتماد نیستند.

«این یک تله است!»

«چرایی» در پشت بحران بازنشستگی

نوشته سال دی سیچیو، مشاور شورای شهر فینیکس

بیماری در سراسر آمریکا شایع است. فساد را می‌توان در همه جا مشاهده کرد: خیابان‌ها در حال فروپاشی هستند، برنامه‌های جوانان و سالمندان در حال کاهش هستند، در هر گوشه‌ای حفره‌هایی وجود دارد و اولین پاسخ دهندگان فاقد پرسنل و منابع هستند. با گسترش این بیماری همه‌گیر، شهرها و شهرستان‌های آمریکا در حال مرگ هستند. دولت‌های محلی که باید این علائم را برطرف کنند، هر ساله شاهد دستاوردهای تاریخی هستند. مالیات بر املاک در رکورد خود بسیار بالا است، هزینه‌های آب و فاضلاب همچنان در حال رشد است و به نظر نمی‌رسد که دولت‌های محلی هرگز برای صرف پول کم جهت پرداخت به رأی‌دهندگان خود راهی پیدا کنند. با این حال، خدماتی که شهروندان به آنها متکی هستند همچنان رو به کاهش است. مهم نیست که چقدر از این جانور تغذیه می‌کنیم، هرگز کافی نیست.

دولت‌های محلی به شکل زامبی‌ها هستند: چیزی بیش از صدف‌های توخالی که همه چیز را در مسیر خود مصرف می‌کنند تا بتوانند خود را به اندازه‌ای طولانی زنده نگه دارند تا غذای بعدی خود را پیدا کنند. این جانور برای زنده ماندن به دلار مالیاتی بیشتری احتیاج دارد. مقامات سیاست‌های متمرکز بر درآمد را دنبال می‌کنند تا از گرسنگی فزاینده

جانوران جلوگیری کنند، اما آنها فقط علائم را مخفی کرده‌اند و عفونت ضمنی درمان نشده است.

این بیماری که دولت‌های محلی را در سراسر آمریکا تحت‌الشعاع قرار می‌دهد چیست؟ صندوق‌های مستمری بازنشستگی.

فقط در فینیکس، جایی که من سالها به عنوان عضو شورای شهر برای جبران هزینه‌های وام با بهره اقساطی مبارزه کرده‌ام، در حال حاضر، بیش از ۴,۵۶ میلیارد دلار وعده بازنشستگی بدون پرداخت را بدهکار هستیم. بدون پرداخت به این معنی است که ما پول یا روشی برای پرداخت این بدهی نداریم.

بیش از ۳۰۰۰ دلار بدهی بازنشستگی به تنهایی، برای هر مرد، زن و کودک در شهری با ۱,۶ میلیون نفری است. این نیز بیش از کل بودجه اختیاری سالانه ما - حدود چهار برابر بیشتر است.

سپس باید مبلغ ۲/۶۶ میلیارد دلار دیگر به وعده‌های دیگر مانند برنامه‌های مراقبت‌های بهداشتی کادیلاک، سیاست‌های بیمه و موارد دیگر مشابه بدهی را نیز اضافه کنید. همه گفتند، این وعده‌هایی است که سیاستمداران فینیکس بیش از ۸ میلیارد دلار قول داده‌اند، اما هرگز پرداخت نشده است.

میانگین کل غرامت در حال حاضر در شهر فینیکس برای کارمندان دولتی در سال بیش از ۱۱۵/۰۰۰ دلار است. این میزان برای تمام ۱۳/۰۰۰ کارمندان ماست. یک منشی که کمترین میزان دستمزد را دارد، در سال اول خدمت «۳۸/۵ روز مرخصی استعلاجی» دریافت می‌کند و این مقدار در هر ماه ۱۰ ساعت افزایش می‌یابد؛ و سال به سال به مرور

تغییر می‌کند. بیمه درمانی کادیلاک که در بخش خصوصی بی‌نظیر است، هنجاری برای کارمندان دولتی است. هرچه کارمند درآمد و مزایای بیشتری داشته باشد، میزان بازنشستگی بیشتر می‌شود. بسیار ساده است، جانور برای رشد خود نیاز به غذا خوردن دارد. ما تنها نیستیم. هر دولتی در سرتاسر کشور برای حسن نیت ما جشن می‌گیرد. طبق گفته موسسه تحقیقات سیاست اقتصادی استنفورد، تعهدات بازنشستگی ایالتی و محلی تا پایان سال ۲۰۱۷ میلادی بالغ بر ۵/۲ تریلیون دلار بوده است و این مقدار حتی آن عدد واقعی نیست. دولت‌های ایالتی و محلی مدت‌ها پیش با شیطان معامله معروفی انجام داده‌اند. سیاستمدارانی که به دلیل تصمیمات بد خود نمی‌خواستند با موسیقی روبرو شوند، با اتحادیه‌های دولتی به نمایندگی از این همه صندوق‌های بازنشستگی مختلف معامله کردند تا عمداً کمترین هزینه سالانه مالیات‌دهندگان را دست کم بگیرند - تا بتوانند با پولی که نمی‌دهند به خرید آرا ادامه دهند؛ اما اینها فقط مشکل ایجاد می‌کنند و صورت‌حساب‌ها در موعد مقرر، به طرز چشمگیری بزرگتر می‌شوند. با توجه به قول‌های داده شده به هر شهری، بخشی، ایالتی یا مدرسه، محلی به دلیل بدهی‌های بازنشستگی خود مدیون هستند، در حال حاضر چقدر پول در این صندوق تعیین شده و پیش‌بینی می‌شود که نرخ بازده آن صندوق به بازار بازگردد؛ و در کنار میزبان فرضیات متفاوت دیگری وجود دارد مانند زمان بازنشستگی هر فرد و اینکه تا چه مدت بعد از آن زندگی خواهند کرد. هر چه نرخ بازده پیش‌بینی شده بالاتر باشد بازنشستگان بعدی شروع به جمع‌آوری مستمری‌های بازنشستگی خود

می‌کنند و قبل از اینکه دیر شود، زمان کمتری آنها را چک می‌کنند، بنابراین کمتر دولت محلی مجبور به پرداخت وجوه می‌شود. با مذاکره ساختگی برای این اعداد، به جای استفاده از بازده‌های بازار درست و فرضیات آماری، سیاستمداران می‌توانند میلیون‌ها دلار، حتی صدها میلیون دلار، برای هزینه‌های جدید و کارمندان بیشتر تخصیص دهند.

به قول معروف آدمیرال اکبر، «این یک تله است!»

جعل عدد از نظر سیاسی پول را آزاد نمی‌کند. فقط بدهی‌های بیشتری را تلبار می‌کند. این مانند کارت اعتباری است که مقادیر آن بیشتر می‌شود و وقتی بانک برای شما حداقل پرداختی را می‌دهد، به آنها می‌گوید شما می‌خواهید کمتر بپردازید. پس از آن، خواستار افزایش در خط اعتباری خود هستید تا بتوانید پول بیشتری خرج کنید. این مضحک است. در جهان بانک یا شرکت کارت اعتباری وجود ندارد که بتواند این معامله را انجام دهد.

برای مثال فینیکس فرض می‌کند که صندوق‌های بازنشستگی ما میانگین سالانه ۷/۳ درصد بازده در بازار کسب می‌کند؛ اما طی یک دهه گذشته، میزان واقعی آن سالانه به ۵ درصد نزدیک است. این ممکن است خیلی به نظر نرسد - چه تفاوت در دو درصد وجود دارد؟ اما همانطور که آلبرت انیشتین خاطرنشان کرد: «علاقه ترکیبی، قدرتمندترین نیرو در جهان است.» صادقانه بگویم، ۴/۵۶ میلیارد دلار بدهی‌های افراد بازنشسته بدون بودجه فینیکس چیزی در محدوده ۷ تا ۸ میلیارد دلار خواهد بود. متأسفانه وضعیت به مراتب بسیار بهتر از بسیاری از شهرها و ایالت‌های دیگر است. طبق گفته سیاستمداران کالیفرنیا و

همدستان صندوق بازنشستگی، بزرگترین سیستم بازنشستگی کالیفرنیا (کالپرس) به میزان ۳۰۸/۵ میلیارد دلار بر مبنای بررسی کوتاهی برآورد شده است اما در دنیای واقعی، در مبنای بازار این میزان چقدر است؟ موسسه استنفورد که کمبود بودجه بازنشستگی را در کالپرس تخمین می‌زند. آن را بیش از ۱/۰۵ تریلیون دلار برآورد می‌کند. به ازای هر خانوار یعنی به جای ۲۳۶۳۲ دلار برای هر خانوار که سیاستمداران کالیفرنیا آن را تصدیق می‌کنند، هر خانوار در کالیفرنیا واقعاً برای هزینه‌های مشابه، ۸۰/۶۴۳ دلار در هزینه‌های بازنشستگی بدون درآمد، گیر افتاده‌اند. البته اینها در میانگین سطح ایالتی هستند. به طور متوسط خانواده‌های ساکن در منطقه مدرسه ابتدایی اوروگرند بیش از ۳۵۷۰۰۰ دلار در بدهی‌های بازنشستگی بدون درآمد خود دارند که به تنهایی در مدارس محلی K-8 خودشان سایه افکنده است.

به نظر می‌رسد همه این موارد باعث می‌شود که مقامات منتخب محلی انگیزه عظیمی برای رسیدگی به مسئله به صورت تهاجمی داشته باشند، اکنون که شرایط خوب است، اقتصاد در حال چرخش است و تقریباً هر نهاد دولتی در کشور درآمدهای رکورددار خود را در دست می‌گیرد. این امر مطمئناً در اینجا در فینیکس اتفاق می‌افتد، جایی که ما از رشد درآمد رکوردی برخوردار بوده‌ایم و کل هزینه‌های شهری را فقط در ۵ سال گذشته بیش از ۲۵ درصد افزایش داده است.

با توجه به درآمدهای جدید مالیاتی بادآورده، سیاستمداران در اینجا برای پرداخت بدهی‌های بازنشستگی‌مان چه کاری کردند؟ آنها آن را بدتر کردند. در سال ۲۰۱۷ میلادی، شورا تصمیم گرفت تا زمان پرداخت

بدهی‌های بازنشستگی معوق خود را تمدید کند، در نتیجه ۲,۳ میلیارد دلار هزینه اضافی برای مالیات‌دهندگان فینیکس اضافه می‌شود. چرا این کار را کردند؟ بنابراین آنها می‌توانند ۱۸ میلیون دلار بیشتر در سال ۲۰۱۸ میلادی و ۹ میلیون دلار دیگر در سال ۲۰۱۹ میلادی هزینه کنند. این درست است: وقتی فرصتی برای رسیدگی به این بحران عظیم و فریبنده داده شد، به قول فینیکسی‌ها، مقامات منتخب ما تصمیم گرفتند با میلیاردها دلار بدهی اضافی بتوانند چند میلیون دلار بیشتر در زمان کنونی خرج کنند و جانور را به خوبی تغذیه دهند. بی‌شک، از زمانی که اولین بار برای حضور در انتخابات در سال «۹۰» نامزد شدم، این بی‌مسئولیت‌ترین کاری بود که شهردار و شورای ما انجام می‌دادند. دولت‌ها در حال تبدیل شدن به ماشین‌آلات بازنشستگی هستند. مشکل این است که مالیات‌دهندگان نه سونامی آینده را درک می‌کنند و نه به آن اهمیت می‌دهند. آنها به خاطر بی‌تفاوتی خود رنج می‌برند. ویرانی واقعی صورت خواهد گرفت. بودجه‌های شهری برای خدمات اصلی مانند امنیت عمومی، نگهداری خیابان‌ها و زیرساخت‌ها، پناهگاه برای بی‌خانمان‌ها، مسکن، پاکسازی محلات و سایر موارد حساس شهرها، کاهش می‌یابد. میلیون‌ها فرد بازنشسته در حال حاضر به وعده‌های بازنشستگی، سخاوتمندانه مبنی بر کاهش از طریق بودجه بازنشستگی، زندگی‌هایشان از هم می‌پاشند، زمانی که دادگاه‌ها شروع به کاهش مزایای خود به عنوان بخشی از اقدامات ورشکستگی می‌کنند قطعاً شهر به شهر، جنبشی در سراسر کشور آغاز خواهد شد.

در تابستان سال ۲۰۱۹ میلادی من -با ده‌ها هزار پول خودم- از ابتکار عمل ساده‌ای برای رأی‌دهندگان فینیکس حمایت کردم که از ما خواسته می‌شد با استفاده از نتایج تاریخی کسری بودجه بازنشستگی واقعی خود در ده سال گذشته (بازده واقعی تولیدشده صندوق‌های بازنشستگی ما در بازار) به جای بازده‌های فانتزی سیاسی متبخرانه، اکنون دقیقاً روی آن حساب کنیم. این طرح همچنین شهر را ملزم به اولویت‌بندی بدهی‌های بازنشستگی‌مان می‌کند، بدون آنکه حتی برنامه‌های موجود را قطع کند. برای اینکه شهر با مسئولیت‌پذیری بتواند هزینه‌های هر ساله را با مبلغ معقولی افزایش دهد، فقط با حصول اطمینان از اینکه نعمت‌های آینده برای حفظ وعده‌های ما استفاده می‌شود، نه این که باعث شود بیشتر بتوانیم آن را ننگه داریم.

نخبگان سیاسی محلی و متحدین سازمانی بیشمار آنها، خیریه‌ها و مشاغلی که برای تأمین معاش خود به معامله عمومی تکیه می‌کنند و میلیون‌ها دلار را پشت پرده مبارزات دروغین قرار می‌دهند تا اطمینان حاصل شود که آنها حتی با ابتدایی‌ترین مفاهیم مسئولیت مالی محدود نمی‌شوند. آنها ادعا کردند که این ابتکار عمل باعث بسته شدن کتابخانه‌ها، پارک‌ها و استخرهای شنا در سطح شهر خواهد شد. آنها ادعا می‌کردند که حمل و نقل عمومی را تعطیل کرده و خانواده‌های کم‌درآمد را به خیابان می‌اندازند. مسلماً هیچ یک از این موارد صحیح نبود -از این گذشته، این اقدامات نیاز به برنامه‌ای برای کاهش هزینه ندارد و حتی محل را ترک می‌کند تا به تدریج در طول زمان مخارج را افزایش دهد.

یک اصل در انتخابات وجود دارد که اگر شما دوباره توضیح دهید، شما بازنده می‌شوید. این تدبیر منحرفی، بسیار بد است. ما در تلاش بودیم تا یک مسئله پیچیده را توضیح دهیم، طرف مقابل به دروغ ساده متوسل شد و دروغ‌های ساده پیروز شدند. مطبوعات محلی در سرتاسر کشور در دهه‌های اخیر دچار نابودی شده‌اند. روزنامه پرچم‌دار جمهوری‌خواه آریزونا، قبلاً دارای دو روزنامه‌نگار تمام وقت و با تجربه بود که اخبار را در تالار شهر تحت پوشش قرار می‌دادند. اکنون یک فارغ‌التحصیل از دانشکده روزنامه‌نگاری اخیر داریم. هنگامی که بن رودز، رئیس دولت پیشین او با ما به مجله نیویورک تایمز گفت که او به خبرنگاران بی‌تجربه اعتماد کرده است تا یک «اتاق انعکاسی» ایجاد کند که به نفع نتیجه مطلوب دولت در توافق هسته‌ای ایران فعلی عمل کند، او خاطرنشان می‌کند که او قادر به انجام این کار است زیرا خبرنگاران جدید «به معنای واقعی کلمه چیزی نمی‌دانند» و به همین دلیل تقریباً همه روزنامه‌نگاران تحت پوشش مذاکرات مجبور شدند با دولت تماس بگیرند تا پیش زمینه و اصول اساسی موضوع را برای آنها توضیح داده شود. با اتکا به دولت برای توضیح حقایق برای آنها، رودز خاطرنشان کرد که دولت بدون توجه به اینکه روایت آنها با واقعیت مطابقت داشته باشد یا نه می‌تواند اساساً هر «حقیقتی» را که آنها برای به اشتراک‌گذاری انتخاب کردند بدون توجه به واقعیت و دروغ بودن آن ارائه دهد. در اساس به رودز و همکارانش اختیار تام برای دروغ گفتن داده بودند.

رودز از مزیت دیگر برخوردار بود - یک موردی که او کاملاً نمی‌توانست آن را درک کند، اما به شدت به نفع او نیز عمل می‌کرد. نسل‌های فعلی

در محیطی پرورش‌یافته‌اند که بزرگسالان، بیشتر اوقات به صورت مأمورین مدرسه، برای میانجیگری و حل و فصل همه مشکلات خود در آن قدم گذاشته‌اند. آنها آموزش دیده‌اند که اقتدار بوروکراتیک را مطلق بدانند؛ و در حقیقت از تصمیمات خود طفره برونند. به همین دلیل، در بین روزنامه‌نگاران جدید تمایل قابل توجهی برای مشاهده مقامات دولتی و بوروکرات‌ها به عنوان برده‌داران در یک رقابت وجود دارد. بین احزاب سیاسی هیچ چیز نمی‌تواند از حقیقت دور باشد. بروکراسی‌های مدرن در پنهان‌ترین چیز از سوی ناظران سیاسی بی‌طرف هستند. آنها تیم دیگری در این زمینه هستند و نیز معتقدند که باهوش‌ترین افراد این اتاق هستند.

بر خلاف سیاستمداران که حداقل با انتخاب مجدد روبرو هستند، بوروکرات‌ها - تا زمانی که با اطمینان از فرهنگ رایانه‌های شخصی ارائه شده توسط ادارات منابع انسانی خود پیروی کنند - اساساً یک طبقه حاکم غیرقابل دفاع و محافظت‌شده هستند. موقعیت آنها باعث می‌شود هم بی‌پروا و هم خطرناک باشند. آنها می‌توانند میلیون‌ها دلار مالیات‌دهندگان را در آخرین کار بی‌ارزش خود از دست بدهند، همانطور که فینیکس در سفر نامعقول ما به صنعت گردشگری، هنگامی که یک هتل بزرگ شرایتون را ساختیم، میلیون‌ها کار را از دست دادیم و با فروش این ملک به بیش از ۵۰ میلیون دلار کمتر از آنچه که برای ساخت آن پرداخت کردیم ناکامی‌ها را تکمیل کردیم و هنوز مطمئن هستیم که هیچ عواقب واقعی در راه نخواهد بود.

آنها آدم‌های بدی نیستند. در واقع، کارمندان شهر عموماً بعضی از انسانهای مهربان و با ذکاوتی هستند که با آنها آشنا خواهید شد. آنها از روی اشتیاق و ناامیدی، دلسوزی خود را نشان می‌دهند. تا زمانی که علاقه شما با منافع شخصی آنها منافات داشته باشد.

این امر ما را به سمت تحول بزرگ بعدی و گسترش بحران بازنشستگی مان خواهد کشاند: سیاستمداران چپ در حال حاضر در حال همکاری برای ملی کردن بدهی‌های دولت و محلی هستند. نه تنها برنامه آنها به بحران کنونی کمکی نمی‌کند بلکه عملاً تضمین می‌کند که مشکل را تا آنجا افزایش دهیم که تنها امید ما برای دور شدن از سونامی غرق شدن در آن - ارز ما را ابرتورم قرار می‌دهد و یک ونزوئلای جدید ایجاد می‌کند - سبک بحرانی مالی باشد که بدین ترتیب ارزش دلار را نابود می‌کند و ما می‌توانیم با برگه‌های سهام بی‌ارزش تعهدات خود را نسبت به بازنشستگان عمومی بپردازیم. دولت فدرال در حال حاضر بحران خود را تجربه کرده است، با بیش از ۱۴ تریلیون دلار بدهی و کاهش کسری سالانه بر این معضل، هر سال علیرغم اینکه شما تصور می‌کنید، درآمد را ثبت می‌کنید.

افزودن برآورد رسمی حدود ۷ تریلیون دلار بیشتر در بدهی‌های بازنشستگی دولتی و محلی می‌تواند فراتر از فساد اقتصاد ملی باشد؛ و همانطور که در بالا ذکر شد، مقدار واقعی ۷ تریلیون دلار نیست. وقتی ما از بازده بازار واقعی این وجوه استفاده می‌کنیم، آن بالون ۷ تریلیون دلاری در جایی در محدوده ۱۴ تا ۲۱ تریلیون دلار - به معنای ملی کردن این تعهدات خواهد بود. بدتر از آن، ملی کردن تعهدات بازنشستگی

دولتی و محلی مطمئناً باعث می‌شود که شهرها و شهرستانها در سراسر کشور بلافاصله هزینه‌های خود را هدر دهند و میلیون‌ها کارمند بازنشسته دیگر را با «پساندازشان» اجیر کنند - از این طریق جانوران را تغذیه می‌دهند و از افزایش شدید مشکل اساسی مطمئن می‌شود.

فراتر از این، امور مالی دیگر کارساز نمی‌باشند. در حال حاضر، بیش از ۱۰ درصد از بودجه فدرال ما صرف پرداخت بهره بدهی ملی ما شده است؛ انتظار می‌رود تعدادی در طی چند سال آینده ۳۰ درصد دیگر افزایش یابد و ما مجبور خواهیم شد بیش از دو برابر، یک چهارم کل بودجه فدرال را صرف پرداخت سود بدهی خود کنیم؟ اگر این اتفاق بیفتد، جانور پیروز می‌شود و می‌توانید از این کشور خداحافظی کنید.

سال دی سیچیو، مشاور شورای شهر فینیکس، قهرمان مالیات‌دهندگان بوده است و می‌خواهد با اصلاحاتی در صندوق مستمری بازنشستگی، و لخرجی‌ها و تبعیض اتحادیه‌های عمومی را افشا کند که در طی بدترین بحران اقتصادی در اغلب زندگی‌ها با افزایش پرداختی‌ها پول بیشتری بدست می‌آورند. او به رقابت مدیریت شده برای خدمات شهری غیرهسته‌ای، شفافیت بیشتر در تدارکات و به طور کلی در دولت و مالیات پایین‌تر، از جمله پایان دادن به مالیات جدید مواد غذایی اخیراً، فشار وارد کرده است.